

ماجرای «اصلاحات ارضی» و آنچه به اصطلاح «انقلاب سفید» نامیده شد یا ماجرای نخست وزیری علی امینی و نیز برکناری او از این مقام، یا دخالت نظامی ایران در ظفار علیه جنبش انقلابی مردم آن کشور اشاره کرد. چنانکه پیش تر نیز گفتیم از زمان هجوم استعمار غرب مدرن به ایران و در تاریخ معاصر ایران، استقلال یک نیاز و خواست و یک گمشده و حلقه مفقوده در جامعه و نزد مردم ایران بود که در قالب حرکت ها و جنبش های مختلف مطالبه می شد. سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، استقلال سیاسی به دست آمد. استقلال سیاسی ایران برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران این فرصت و امکان را به وجود آورد که مرکز ثقل یا گرانگه تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های کلان برای کشور در داخل کشور و براساس خواست و منافع مردم این کشور باشد. استقلال سیاسی دستاورد بسیار ارزشمند و گرانبهایی است که باید حفظ شود و در قالب «استقلال اقتصادی» تعمیق یابد و گرنه این خطر جدی وجود که این استقلال سیاسی (اگر با استقلال فرهنگی و استقلال اقتصادی همراه نشود) به تدریج و در بستر زمان خدشه دار گردد.

برای حرکت ایران و ایرانیان در مسیر کمال، استقلال سیاسی پیش شرط و امری لازم و ضروری است؛ اما هنوز کافی نیست. برای حرکت در مسیر پیشرفت (با تلقی مبتنی بر تئوری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که متفاوت از تلقی مبتنی بر جهان نگری روشنگری از این عبارت است) و کمال جامعه ایران، علاوه بر استقلال، به تحقق و تعمیق عدالت و نیز تحکیم جمهوریت نیز نیاز دارد. انقلاب اسلامی ایران، استقلال را محقق ساخت. انقلاب از آن پس می بایست به تحقق و تحکیم استقلال فرهنگی و استقلال اقتصادی می پرداخت و در عین حال در مسیر محقق ساختن عدالت و جمهوریت گام بر می داشت که چنین نیز کرد و در آن مسیر گام برداشت که درباره آن سخن خواهیم گفت.

## عدالت به مثابه ضرورت بنیادین هر نوع حرکت نظام در جامعه

در پی استقرار فرماسیون شبه مدرنیته در ایران، به تدریج نوعی اقتصاد متناسب با این فرماسیون پدید آمد، اقتصادی که در یک ارزیابی کلی و اجمالی دارای این مؤلفه ها بود:

- مناسبات سرمایه دارانه.
- نوعی اقتصاد غارت.

- ماهیت غیرمولد. در متن این اقتصاد یک بخش مولد ضعیف و یک بخش غیرمولد نیرومند وجود داشت. این اقتصاد نوعی عدم توازن ساختاری عمیق داشت.
- این اقتصاد بر پایه استثمار نیروی کار و توزیع ناعادلانه منابع و ثروت ها بنا شده بود.
- اقتصاد شبه مدرن ایران مقوم وابستگی این سرزمین به نظام جهانی سلطه و نافی استقلال آن بود.
- اقتصاد شبه مدرن ایران به سبب عدم توازن ساختاری ای که بدان مبتلا بود و نیز به سبب ماهیت سرمایه دارانه اش به طور مداوم اسیر تورم و بیکاری و رکود و بحران های رکودی تورهی بود.
- در چارچوب این اقتصاد فاصله و شکاف طبقاتی هولناکی به صورت نهادینه وجود داشت، شکافی طبقاتی که موجب تولید دشمنی و کینه و اصطکاک های اجتماعی و سیاسی و فقیر شدن طیف بسیار زیادی از مردم شده بود؛ در حالی که عدالت اقتصادی اجتماعی برای تأمین و حفظ سلامت هر جامعه ای، امری ضروری است و بدون آن، ساختارها و کارکردهای اقتصادی بیمارگونه می شود و فقر و فاصله طبقاتی روند افزایشی و چه بسا هولناک به خود می گیرد.

عدالت در تشیع یک مفهوم مهم بنیادین است. مفهوم عدالت در اندیشه شیعی معنا و دامنه و وجوه و